روزنامه شرق

سه‌شنبه ۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۴
۲۲ ذی‌القعده ۱۴۴۶
۲۰ می ۲۰۲۵
سال بیست‌ویکم
شماره ۵۱۱۴
۳۰ هزار تومان
۱۲ صفحه

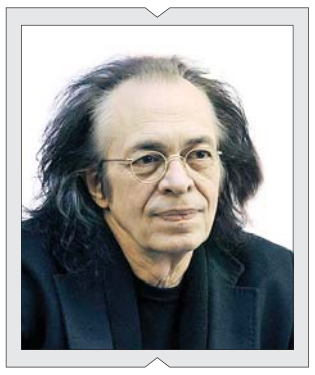

گفت‌وگو با واحد خاکدان
به بهانه نمایشگاه سکوت سایه‌ها
باید ادامه داد...

۱۱

سرمقاله

آیا با خاورمیانه جدیدی مواجهیم؟

کوروش احمدی
دیپلمات‌پیشین

مهم‌ترین وجه سفر اخیر ترامپ به عربستان، قطر و امارات، تأثیری است که می‌تواند بر صف‌بندی نیروها در منطقه بر جای گذاشته باشد. این سفر تأکیدی بر نقش و موقعیت این سه کشور بود و حکایت از تمایل آمریکا به تقویت رویکرد سیاسی-اقتصادی آنها داشت. این سفر، روندی را که از بهار عربی در راستای تثبیت محوریت این نوع کشورها در خاورمیانه شروع شده بود، شتاب داده است. ترامپ در این سفر به‌عنوان رئیس‌جمهوری کمتر ایدئولوژیک و بیشتر معطوف به کسب نتایج عملی، در راستای تقویت میزبانان خود که مانند او عمل‌گرا و سکولار و معطوف به اقتصاد و مدرنیزاسیون هستند، عمل کرد. عملکرد ترامپ به طور کلی و به‌ویژه در این سفر بر نوعی منطق معاملاتی استوار است که نیروهای منطقه‌ای معطوف به انواع ایدئولوژی‌ها و حب و بغض‌های کهن، مانند افراطیون اسرائیلی، نمی‌توانند چیزی از آن جنس برای او داشته باشند. اینکه یک رئیس‌جمهور آمریکا در اولین سفرش به منطقه اولویت و تمرکزش بر سه کشور عربی باشد و اسرائیل در حاشیه بماند، امری بی‌سابقه است. پیام ترامپ در این سفر به نتانیاهو این بود که آمریکا منافع خاص خود را در خاورمیانه دارد و اسرائیل نباید مانع باشد، بنابراین نشانه‌هایی وجود دارد که می‌تواند حاکی از تقویت احتمال انتقال مرکز ثقل سیاست خاورمیانه‌ای آمریکا از تل‌آویو به ریاض باشد.

برای چند دهه سیاست آمریکا بر مبنای حفظ برتری اسرائیل در برابر دیگر کشورهای منطقه، تقویت ریاض در برابر ایران و طرد سوریه قرار داشته است. سفر ترامپ معرف تعدیلی در این مواضع سنتی آمریکا در منطقه و رهاکردن تتمه نگاه ایدئولوژیک به منطقه بود. سیاست‌هایی که عملا در جریان سفر ترامپ به نمایش گذاشته شد و تقریبا مدنظر همه طیف‌های سیاسی در واشنگتن قرار گرفت، می‌تواند حاکی از عمل‌گرایی بیشتر واشنگتن در منطقه و پیروی از نوعی منطق معاملاتی و دیپلماسی معاملاتی باشد. اگرچه در عمل تردید نیست که سیاست جدید آمریکا موجب تقویت موقعیت عربستان به‌عنوان رهبر جهان سنی می‌شود، اما بُعد ارتدکس و ایدئولوژیک این جهان سنی که پیش‌ازاین شیوخ وهابی معرف آن بودند، در حال ضعیف‌شدن و بُعد اقتصادی، سرمایه‌گذاری و مدرن‌سازی آن در حال تقویت‌شدن است. این روند از نظر تضعیف بنیادگرایی وهابی می‌تواند به سود ایران نیز باشد. هم‌زمان چنین روندی به ضرر جریان افراطی و خشونت‌طلب در اسرائیل است و ایران نیز تنها درصورتی‌که بر ابعاد عمل‌گرایانه رویکرد خود بیفزاید، می‌تواند از آن بهره‌مند شود. اگر مذاکرات جاری بین ایران و آمریکا که مورد حمایت دولت‌های عربی است، با موفقیت همراه شود، امکان برقراری توازن جدیدی در منطقه به ضرر اسرائیل بیشتر خواهد شد.

نشانه‌های متعدد دیگری علاوه بر در حاشیه ماندن اسرائیل در سفر ترامپ وجود دارد که ممکن است حاکی از تصمیم ترامپ حداقل در این مرحله به حرکت در راستای نوعی توازن جدید در منطقه و سلب موقعیت ممتاز از اسرائیل تحت رهبری نتانیاهو باشد. مذاکره با ایران بی‌اعتنا به نظر نتانیاهو، نادیده‌گرفتن اسرائیل در آتش‌بس با حوثی‌ها، آزادی یک گروگان آمریکایی از طریق مذاکره با حماس بدون دخالت اسرائیل، اصرارنکردن به عربستان و قطر برای شناسایی اسرائیل و واگذارکردن این موضوع به خود آنها، ناخشنودی از ادامه جنگ غزه و ناتوانی نتانیاهو از ارائه طرحی برای دوره بعد از جنگ، همکاری با عربستان برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی اتمی، طرح فروش جنگنده‌های اف-۳۵ به عربستان و... از این نشانه‌ها است. آنچه در چند روز گذشته مورد بحث بوده، این است که آیا مشکل در روابط نتانیاهو و ترامپ امری تاکتیکی است یا جنبه استراتژیک دارد. آنچه تاکنون قطعی به نظر می‌رسد، این است که حداقل گرایش افراطی دست‌راستی در اسرائیل که نتانیاهو در رأس آن قرار دارد، دیگر چندان نمی‌تواند روی حمایت ترامپ و آمریکا حساب کند. البته گذشتِ زمان روشن خواهد کرد که این روند تنها موجب تضعیف رهبرانی مثل نتانیاهو که اسیر تعصبات فرقه‌ای هستند، خواهد شد یا به طور کلی روابط آمریکا و اسرائیل را تحت تأثیر قرار خواهد داد.

ادامه در صفحه ۵

در «شرق» امروز می‌خوانید: سخنگوی وزارت خارجه: هیچ اقدام غیردوستانه‌ای را بی‌پاسخ نمی‌گذاریم • تعرفه جهانی آلایندگی محیط زیست، بازار صنایع بزرگ و ارزآور ایران را به چالش می‌کشد

«شرق» از فشار مجدد روانی واشنگتن درباره غنی‌سازی در آستانه دور پنجم مذاکرات گزارش می‌دهد

تعادل بین قاطعیت و انعطاف

گزارش تیتر یک را در صفحه ۳ بخوانید

گفت‌وگوی احمد غلامی با محمدرضا تاجیک و فیاض زاهد

پزشکیان آمده برخی پرونده‌ها را ببندد

این گفت‌وگو را در صفحه ۶ بخوانید. عکس: سپند تاکی، شرق

یادداشت

دولت چهاردهم، مکران و آنچه زیبگانه تمنا می‌کرد

احمد الهیاری

اظهارات اخیر دونالد ترامپ در سفر به کشورهای عربی کرانه جنوبی شاخاب پارس (خلیج فارس)، که با مقایسه‌ای بحث‌برانگیز میان وضعیت زیست‌محیطی، عمرانی و اقتصادی ایران و همسایگانش همراه بود، واکنش‌های گسترده‌ای در ایران به دنبال داشت. او با اشاره‌ای مستقیم به دستاوردهای اخیر کشورهای عربی، به گونه‌ای بر عقب‌ماندگی و پسرفت ایران در برخی زمینه‌ها کنایه زد و بدین‌ترتیب، احساساتی آمیخته از حسرت و ناخشنودی را در میان برخی ایرانیان برانگیخت. در مقابل، مسعود پزشکیان؛ رئیس‌جمهور ایران، به گونه‌ای درصدد پاسخ برآمد و در نشست با شهرداران کلان‌شهرهای کشور، بر ضرورت توسعه کرانه‌های مکران تأکید ورزید و با نقد طرح‌های پیشین اجرا شده در این منطقه، اظهار داشت: «با رهبر انقلاب درباره توسعه این سواحل گفت‌وگو داشتم و به ایشان گفتم اجازه بدهید از نظرات کارشناسان خارجی استفاده کنیم. ما باید شهرهایی در این مناطق بسازیم که چیزی کمتر از شهرهای سایر کشورهای واقع در ساحل خلیج‌فارس نداشته باشند. ما باید بهترین، باکیفیت‌ترین و مناسب‌ترین منازل و شهرها را برای مردم خود بسازیم». اما جناب رئیس‌جمهور درباره نظر رهبر انقلاب در این‌باره سخنی نگفت. افزون بر این، پزشکیان با وجود نقدهای مکرر به طرح‌های پیشین توسعه مکران، هیچ کاستی مشخصی را برنشمرده است تا کارشناسان داخلی دریابند چرا باید به مشاوران خارجی روی آورد. این ابهام، نیاز به شفاف‌سازی درباره نارسایی‌های طرح‌های پیشین را بیش از پیش نمایان می‌کند.

چنانچه رئیس‌جمهور به ناتوانی کارشناسان ایرانی در تدوین برنامه‌های کارآمد توسعه باور راسخ دارد؛ می‌تواند بی‌واسطه از هوش مصنوعی بخواهد فهرستی از ایرانیانی که در طراحی و اجرای برنامه‌های توسعه در کشورهای عربی، آفریقایی و آسیایی نقش‌آفرین بوده‌اند، فراهم آورد. نتیجه، شگفت‌انگیز و در عین حال تأسف‌بار خواهد بود. فهرستی از نخبگان ایرانی که در سطح جهانی در برنامه‌های توسعه و کاهش فقر درخشیده‌اند اما در سرزمین خویش نادیده انگاشته شده‌اند. همچنین شایسته است رئیس‌جمهور دستور دهد فهرستی از کارشناسان اقتصادی و اجتماعی از جامعه بومی منطقه مکران که دارای اندیشه و ایده برای توسعه‌اند، شناسایی شوند. این بار نیز شگفتی در انتظار خواهد بود از وجود کارشناسانی که با دانشی ژرف، وضعیت و نیازهای اقتصادی و اجتماعی منطقه را همراه با راهکارهای مؤثر به‌گونه‌ای دقیق‌تر بازتاب می‌دهند. اجازه دهید به فهرست کوتاهی از کارشناسان وطنی شاغل در پروژه‌های سازمان‌های توسعه‌ای بین‌المللی و داخلی اشاره کنم تا زحمت جست‌وجو نیز کم شود:

محمدحسین شریف‌زادگان، مدرس و مشاور برنامه‌ریزی منطقه‌ای و مجری طرح جامع عمران و توسعه منطقه مکران

شیرین حکیم‌زاده، مشاور پروژه بازسازی بیروت

لیلا کریمی‌مقدم، اقتصاددان توسعه منطقه‌ای و مشاور زیرساخت‌های گردشگری دریای سرخ عربستان؛ محمدحسین پورکرمانی اقتصاددان توسعه منطقه‌ای و مشاور کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی کاریک میان ازبکستان و قزاقستان

سارا طباطبایی، متخصص شهرهای هوشمند و مشاور زیرساخت‌های دیجیتال تفلیس

حامد موسوی، مشاور پایداری شهری پروژه شهرهای سبز در اردن

فرزانه رودی، مشاور اسکان سازمان ملل.

از میان کارشناسان اقتصادی و اجتماعی جامعه بومی مکران می‌توان به عبدالوهاب شهلی‌بر، محمدعثمان حسین‌بر، عباسعلی زالی، زهرا احمدی‌پور، محمدعلی حسینی، محمدرضا سپهری و بسیاری دیگر اشاره کرد.

اما این همه داستان نیست. رئیس‌جمهور می‌تواند سرزده به سازمان برنامه و بودجه و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری آن گام نهد و شاهد کارشناسان خبره و برجسته‌ای باشد که ایده‌ها و دیدگاه‌هایشان پشت دیوارهای نامرئی مدیران میانی و ارشد محبوس مانده است.

رئیس‌جمهور با برگزاری نشست‌هایی با نمایندگان بخش خصوصی، از دیدگاه‌ها و برنامه‌های مشارکت این بخش در توسعه مکران شگفت‌زده خواهد شد. آنگاه درخواهد یافت که آنچه خود داشت، ز بیگانه تمنا می‌کرد.

تأکید رئیس‌جمهور پزشکیان بر بهره‌گیری از مشاوران خارجی، در حالی مطرح می‌شود که ایرانیان بسیاری در جایگاه مشاور و مدیران اجرائی در تراز جهانی خوش درخشیده‌اند. کافی است به دور از چشم خودعقل کل پندارهای شوراهای به‌اصطلاح توسعه، شماری از این نخبگان را فراخواند و به گفت‌وگو نشیند تا دریابد تجربه توسعه منطقه‌ای موفق در ایران با دانش ایرانی دست‌یافتنی است. چالش بنیادین توسعه مکران، نه نبود اسناد راهبردی و نه فقدان طرح‌های مورد تأیید کارشناسان خارجی، بلکه موانع اجرائی، به‌ویژه تأمین مالی پروژه‌هاست. جست‌وجویی ساده در خاطرات افرادی چون فریدون هویدا (برادر هویدا) و اسدالله علم، نشان می‌دهد که بسیاری از طرح‌های کنونی، مانند راه‌آهن چابهار، بندر چابهار، کریدور ساحلی و نیروگاه حرارتی، پیشینه‌ای دیرینه دارند و اغلب توسط مشاوران خارجی پیشنهاد شده‌اند، اما در زمان خود به اجرا درنیامده و به ثمر نرسیده‌اند.

برنامه‌های جامع توسعه این منطقه، همسو با معیارهای جهانی، پیش‌تر تدوین شده‌اند و بعید است کارشناسان خارجی رویکردها و برنامه‌هایی به‌کلی متفاوت پیشنهاد دهند. کمبود و عدم تخصیص به‌موقع و کافی منابع مالی است که اجرای این طرح‌ها را با تأخیر مواجه کرده است. بررسی اعتبارات مصوب نشان می‌دهد که با ادامه روند کنونی تأمین مالی توسط سازمان برنامه‌وبودجه، برخی پروژه‌های مکران بیش از ۲۰ و در مواردی بیش از ۴۰ سال به درازا خواهد کشید.

جذب سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و پیوند با اقتصاد جهانی برای پیشبرد این برنامه‌ها حیاتی است. این موضوع، کشفی تازه نیست و بارها در محافل گوناگون مطرح و توسط دولتمردان مختلف تأیید شده است. با این حال، برخی اصول قانون اساسی و دیدگاه‌های سنتی، در کنار تحریم‌ها موانعی در مسیر جذب سرمایه پدید آورده‌اند. مهم‌ترین مانع، نبود پیوند کارآمد اقتصاد ایران با نظام اقتصاد جهانی است که جریان سرمایه و فناوری را محدود کرده است. مکران نیز از این قاعده مستثنا نیست.

پیشنهاد می‌شود رئیس‌جمهور محترم در صورت ابرام بر ترجیح کارشناسان خارجی، به‌منظور پیشگیری از معطل‌ماندن برنامه‌ها و ایجاد میان‌بر، با گزینش شرکت‌های معتبر بین‌المللی اسناد مدون موجود را جهت بررسی و اصلاح در اختیار آنان قرار داده و در صورت تأیید یا رد اسناد موجود تصمیم مناسب را اتخاذ کند. اما اگر اعتباری برای کارشناس ایرانی قائل است، پیش از فراخوان کارشناسان خارجی برای تدوین سند راهبردی، درنگ کند و دست یاری به سوی کارشناسان ایرانی باتجربه جهانی دراز کند. سازمان برنامه و بودجه کشور می‌تواند کارگزار دعوت از کارشناسان ایرانی مجرب بین‌المللی باشد. از اولین نقد رئیس‌جمهور به برنامه‌های توسعه مکران و طرح رجوع به کارشناس خارجی توسط ایشان ماه‌ها گذشته است. با توجه به شرایط رقابت‌های منطقه‌ای مجاز به ازدست‌دادن زمان نیستیم. تا هنگام تأیید و رد طرح‌های موجود یا تدوین برنامه‌های جدید جناب ایشان اهتمام خود را بر جلب و جذب سرمایه‌گذاری و رفع موانع پیش‌روی طرح‌های در حال اجرا صرف کند؛ توسعه صنعتی مکران را با جدیت بیشتری پی بگیرد و با تقویت تکنوکراسی، از بخش خصوصی واقعی بخواهد «جاده مخصوص صنعتی مکران از چابهار تا میناب» را بنیان نهد. باشد که توسعه‌یافتگی کرانه‌های شمالی دریای مکران و شاخاب پارس، حسرت جهانیان را برانگیزد.

خلاصه آنکه توسعه منطقه مکران، فرصتی بی‌مانند برای نمایش توانمندی‌های داخلی ایران در دستیابی به توسعه پایدار و هم‌تراز با معیارهای جهانی است. چالش‌های پیش‌رو، بیش از آنکه به کمبود اسناد راهبردی یا فقدان دانش بومی بازگردد، ریشه در موانع اجرائی، به‌ویژه تأمین مالی ناکافی و ناپیوسته دارد. بهره‌گیری از نخبگان ایرانی با تجربه جهانی، کارشناسان بومی مکران و ظرفیت‌های بخش خصوصی، همراه با اصلاح موانع ساختاری جذب سرمایه و تقویت پیوند با اقتصاد جهانی، می‌تواند مکران را به الگویی برجسته در توسعه منطقه‌ای بدل کند. رئیس‌جمهور محترم می‌تواند با تشکیل کارگروهی متشکل از این نیروها، ضمن بازنگری در روندهای اجرائی کنونی، برنامه‌ای زمان‌بندی‌شده برای تحقق اهداف توسعه مکران ارائه دهد و با گزارش‌دهی شفاف به مردم، اعتماد عمومی را به این فرایند جلب کند. توسعه مکران نه‌تنها پاسخی به نیازهای داخلی، بلکه گامی در راستای ارتقای جایگاه ایران در نظام اقتصاد جهانی خواهد بود.

برگزیده‌ها

گزارش «شرق» از فاجعه محیط‌زیستی حادثه بندر شهید رجایی:
انفجار پنهان

۱۰

رئیس کل بانک مرکزی در همایش صندوق توسعه ملی:
هدایت اعتبار مهم‌ترین اولویت اقتصاد ایران است

۴

پروژه بازسازی پرسپولیس پس از یک سال خاکستری
توفان تابستانی سرخ

۹

ترامپ و پوتین؛ مذاکراتی که آینده جنگ را رقم می‌زند
دیپلماسی فشرده برای آتش‌بس در اوکراین

۵

روایت «شرق» از بحران انسانی در غزه؛ شرایطی که زنان و کودکان را در وضعیتی هولناک فرو برده است
پشت ویرانی‌ها

۸

نگاه

افراط و تفریط در بزرگداشت‌ها

یادداشتی از قادر باستانی

۱۲

یادداشت

گسل اقتصاد و سیاست!

حسین حقگو
کارشناس اقتصادی

۱- پنج تشکل بزرگ صنایع معدنی در نامه‌ای مشترک به آقای پزشکیان از برنامه قطعی برق این صنایع مادر به‌شدت انتقاد کرده و خواستار تغییر این وضعیت شدند. در این نامه ضمن اعلام نگرانی از خاموشی‌ها و مشکلات ناشی از آن برای شهروندان، قطعی برق صنایع را سبب اختلال شدید «در تولید و نبود امکان انجام تعهدات به بازار و مشتریان داخلی و صادراتی و توقف فعالیت صنایع پایین‌دستی و پرداخت به‌موقع تعهدات به کارکنان، پیمانکاران، بانک‌ها و سهامداران و بازار سرمایه و...» دانستند (۱۴۰۴/۰۲/۲۷). طبق تمام بررسی‌های کارشناسی، روند ناترازی انرژی از آغاز دهه ۹۰ و کاهش شدید درآمدهای نفتی کشور که به طور عمده ناشی از تحریم‌های بین‌المللی بود، تشدید و منابع مالی لازم برای سرمایه‌گذاری در صنعت برق و نیز گاز و آب که سوخت نیروگاه‌های گازی و برق آبی را تأمین می‌کردند، از دسترس خارج شد، چنان‌که کسری‌های تراز تولید و مصرف برق در دهه ۷۰ و ۸۰ که بر اثر توسعه ظرفیت‌ها جبران شده بود، در دهه ۹۰ آغاز و در سال ۱۴۰۰ این ناترازی به حدود ۱۲ هزار مگاوات رسید. این بحران البته با تداوم سیاست قیمت‌گذاری دستوری و خشکسالی و کم‌آبی شدت گرفت. اقتصاد ایران که قبل از اعمال تحریم‌ها در دهه ۹۰ هم اندازه ترکیه و عربستان و حدود ۶۰۰ میلیارد دلار بود، طبق آخرین گزارش صندوق بین‌المللی پول (سال ۲۰۲۵)، حدود ۴۸۰ میلیارد دلار بوده و در جایگاه ۳۵ جهان قرار دارد؛ درحالی‌که دو کشور ترکیه و عربستان به‌عنوان دو رقیب منطقه‌ای ایران به ترتیب با ۱.۵ و ۱.۱ هزار میلیارد دلار تولید ناخالص داخلی در رتبه‌های ۱۷ و ۱۹ جهان قرار دارند. تغییر این وضعیت و بازگشت به آن دوران و تحقق رشد هشت‌درصدی طبق محاسبات و پیش‌بینی‌ها در خوش‌بینانه‌ترین حالت به سالی صد میلیارد دلار و در نگاهی معقولانه‌تر به سالی حدود ۱۷۵ و در مجموع پنج سال اجرای برنامه به حدود ۸۷۵ میلیارد دلار سرمایه‌گذاری نیاز دارد.

ادامه در صفحه ۵